

پیش‌بینی ادراک از سبک تربیت جنسی والدین براساس باورهای معنوی و میزان استفاده از فضای

## مجازی در نوجوانان دوره متوسطه

### چکیده

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی ادراک از سبک تربیت جنسی والدین براساس باورهای معنوی و میزان استفاده از فضای مجازی در نوجوانان دوره متوسطه شهر ایلام بود. این پژوهش از نوع کاربردی و در زمره تحقیقات توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری، شامل کلیه دانش‌آموزان دوره متوسطه اول شهر ایلام بود. روش نمونه‌گیری غیرتصادفی است که گروه نمونه در شبکه‌های مجازی به‌صورت در دسترس انتخاب و وارد پژوهش شدند. حجم نمونه نهایی با استفاده از فرمول کوکران و احتساب بیش‌برآورد ۲۰۰ نفر محاسبه شد. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه میزان استفاده از فضای مجازی رسول آبادی (۱۳۹۴)، پرسشنامه ادراک از سبک تربیت جنسی والدین عبدالله زاده و کیخسروی (۱۳۹۸) و پرسشنامه باورهای معنوی مؤسسه ملی سلامت ایالت متحده (۱۹۹۹) بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون و نرم‌افزار SPSS-21 استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد باورهای معنوی و استفاده از فضای مجازی می‌توانند ۶۶ درصد از تغییرات واریانس سبک تربیت جنسی مقتدرانه و ۶۰ درصد از تغییرات واریانس سبک تربیت جنسی مستبدانه را تبیین نمایند. بنابراین پیشنهاد می‌شود مشاوران و متخصصان در فرایند ارزیابی مراجعان خود که از مسائل مربوط به ادراک سبک تربیتی جنسی مستبدانه و سهل‌گیرانه رنج می‌برند، مؤلفه باورهای معنوی و میزان استفاده از فضای مجازی را بررسی کنند و از نتایج این پژوهش در راستای فعالیت حرفه‌ای خود بهره‌گیرند.

**واژگان کلیدی:** باورهای معنوی، سبک تربیت جنسی، فضای مجازی، نوجوانان، والدین.

## **Predicting the perception of parents' sex education style based on spiritual beliefs and the amount of use of virtual space in high school teenagers**

### **Abstract**

The purpose of the present study was to predict the perception of parents' sex education style based on spiritual beliefs and the amount of use of virtual space in high school teenagers of Ilam city. The current research was of applied type and among descriptive-correlational research. The statistical population of the current research included all female students of the second secondary school in one district of Ilam city. The sampling method was non-random and the sample group was selected and included in the research in virtual networks. The final sample size was calculated using Cochran's formula and including more than 200 people. The research tools included Rasoolabadi's Social Networking Usage Questionnaire. (2015), Abdollahzadeh & KeyKhosravi's Parental Sexual Education Styles Questionnaire (2019), and the spiritual beliefs questionnaire of the National Institute of Health of the United States (1999). Pearson correlation and regression tests and SPSS-21 software were used to analyze the data. The results of the research showed that spiritual beliefs and the use of virtual space can explain 66% of the variance of the authoritarian sex education style and 60% of the variance of the autocratic sex education style. Therefore, it is suggested that counselors and experts in the evaluation process of their clients who suffer from issues related to the perception of authoritarian and permissive sexual education style, examine the component of spiritual beliefs and the amount of use of virtual space and benefit from the results of this research.

**Keywords:** Parents, Sexual Education Style, Spiritual Beliefs, Teenagers, Virtual Space.

## مقدمه

تربیت جنسی از موضوعات چالش برانگیز خانواده‌های ایرانی و از حیطه‌های مهم آموزش و پرورش نوجوان است. چراکه اثرات عدم توجه به تربیت صحیح جنسی تا سال‌ها گریبان گیر فرد خواهد بود (پدرام و معروفی، ۱۳۹۹). آگاهی نوجوان از مسائل جنسیتی از قبیل، تشخیص رفتار طبیعی جنسی از رفتار غیرطبیعی، طرز برخورد مناسب با نوجوان مبتلا به مسائل رفتار جنسی، رفتارهای متناسب با سن، زمان آموزش مسائل جنسی، چگونگی شکل‌گیری هویت جنسی، بلوغ، ارتباط با همسالان، کنترل منابع اطلاعاتی نوجوانان و ... در پیشگیری از رفتارهای ناسازگارانه نوجوانان و احساس کفایت و خودکارآمدی آنان مؤثر است. در این بین یکی از دلایل اصلی تأثیرگذار بر تربیت جنسی وجود آگاهی در بین خانواده‌ها و در رأس آن در بین والدین می‌باشد (تربتی و همکاران، ۱۳۹۸). واندرماسن<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) تربیت جنسی را از دشوارترین بخش‌های تربیت می‌داند، زیرا از یک طرف دوران نوجوانی همراه با سرکشی‌های جنسی بوده و از سوی دیگر، مسائل اخلاقی والدین در ارائه اطلاعات جنسی به فرزندان خود نیز، سردرگمی آنان را در درک جنسی بیشتر خواهد نمود. وی اظهار می‌دارد که در سنین ۱۳ تا ۱۷ سالگی شور و اشتیاق نوجوان برای کسب اطلاعات جنسی در اوج خود می‌باشد چنانچه تربیت جنسی به نحو مطلوب اتفاق افتد، نوجوان کنترل و ارضاء هیجان‌ها را بهتر درک خواهد نمود. در واقع، وی معتقد است، آموزش مسائل جنسی باید از سنین کودکی توسط اولیاء آغاز شده و سپس در دوره نوجوانی با کمک مدرسه تکمیل گردد.

نتایج برخی پژوهش‌ها نشان داده است که برنامه‌های تربیت جنسی جامع تأثیر مثبتی در به تأخیر انداختن آغاز رفتار جنسی، کاهش تعداد شریکان جنسی جدید، و کاهش وقوع کنجکاوی‌های جنسی غیر محافظت شده در نوجوانان دارد و اکثر کارشناسان، سازمان‌های حرفه‌ای، و حتی والدین از آموزش جنسی جامع حمایت می‌کنند (فیشر، دیویس، یاربر و دیویس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). نتایج مطالعه آلن، تیمر و آرکوئیز<sup>۳</sup> (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که مداخلات آموزشی می‌تواند با موفقیت نگرانی‌های جنسی در میان نوجوانانی که سابقه رفتاری جنسی دارند را کاهش دهد. وندربرگ<sup>۴</sup> (۲۰۱۶) نیز بیان می‌کند

---

1. Vandermassen

۲. Fisher, Davis, Yarber & Davis

۳. Allen, Timmer & Urquiza

۴. Vanderberg

که هم تربیت جنسی رسمی و هم تربیت جنسی توسط والدین، با تأخیر در ظهور رفتارهای جنسی در نوجوانان، تعداد شرکای جنسی کمتر و افزایش استفاده از کاندوم و سایر روش‌های کنترل بارداری مرتبط است. کرکلر<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) نیز در زمینه محتوای برنامه تربیت جنسی معتقد است زمانی می‌توان به تربیت جنسی مطلوب برای کودکان و نوجوانان دست یافت که محتوای آموزش تربیت جنسی، حول سه محور ارائه گردد: ۱- بهداشت جنسی، ۲- اخلاق جنسی و ۳- آینده جنسی.

از طرفی مذهب و معنویت از جمله عواملی هستند که بر رفتارهای جنسی جوانان و نوجوانان مؤثرند. مذهب از طریق برقراری نظم اخلاقی و معنایی باعث هدف‌دار بودن زندگی و احساس خود ارزشمندی مثبت می‌شود و می‌تواند رفتارهای پرخطر از جمله رفتار پرخطر جنسی را تحت تأثیر قرار دهد (جسور<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲). معمولاً رفتارهای پرخطر در بین جوانان نامتدین بیشتر از جوانانی است که به خدا ایمان دارند و نقش دین و مذهب را در زندگی خود مهم و ارزشمند می‌دانند (گلد، شفتل، چیاپتا، یانگ، زاکوف و دیکلمنت<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰). نتایج برخی مطالعات در جوانان حاکی از این است که بین مذهب‌گرایی و رفتار جنسی پرخطر رابطه معناداری وجود دارد (مازره<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶). نتایج یک مطالعه طولی در مرکز ملی سلامت نوجوانان آمریکا در بیش از ۵۷۰۰ دختر نشان داد که دختران مذهبی پروتستان، محافظه‌کار پروتستان، کاتولیک و نیز دین‌های دیگر (مانند یهودیان، مسلمانان، هندوها) نسبت به دختران بی‌مذهب به احتمال کمتری وارد رابطه جنسی می‌شوند، هم‌چنین میزان درگیر شدن در روابط جنسی بین مذاهب مختلف، متفاوت است (برمن و بروکنر<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱). اعتقادات مذهبی و معنویت افراد از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند یک جامعه را از فساد و انحراف بازدارد. یافته‌های یک مطالعه مروری که توسط تیم‌های تحقیقاتی در دانشگاه‌های کلمبیا، هاروارد و دوک انجام شده است، نشان از اهمیت دین و معنویت در پیشگیری از رفتارهای پرخطر جنسی جوانان دارد (کوئینگ<sup>۶</sup>، ۲۰۱۵).

---

۱. Crcler

۲. Jessor

۳. Gold, Shetel, Chiappetta, Young, Zuckoff & Diclemente

۴. Mazreh

۵. Bearman & Brückner

۶. Koenig

همچنین امروزه مشخص شده است که اینترنت و شبکه‌های اجتماعی از اصلی‌ترین منبع اطلاعات جنسی هستند. شبکه‌های اجتماعی مجازی یکی از امکانات فناوری اطلاعات و ارتباطات است. شبکه‌های اجتماعی تحت عنوان شبکه‌های اینترنتی که یک ارتباط برخط برای کاربران جهت تعامل سریع و آسان را فراهم می‌کنند تعریف شده‌اند و در این زمان است که افراد، بخصوص جوانان و نوجوانان با مطالعه مطالب مرتبط با موضوعات جنسی، همچنین فیلم‌ها و عکس‌های موجود در شبکه‌های اجتماعی اطلاعات جنسی خود را افزایش دهند (احمد<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). صاحب‌نظران در تعریفی دیگر، شبکه‌های اجتماعی مجازی را عبارت از جامعه برخط از کاربران اینترنتی که تمایل به برقرار کردن ارتباط با دیگر کاربران در حوزه‌های مورد علاقه دو طرف را دارند، تعریف کرده‌اند (بوید<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). در حال حاضر شبکه‌های اجتماعی در بین کاربران چنان مورد استقبال قرار گرفته که به جرئت می‌توان گفت یکی از تأثیرگذارترین سرویس‌های ارائه شده است که در سال‌های اخیر تحول‌شگرفی در نظام اجتماعی کشورهای مختلف جهان به وجود آورده است و بسیاری از افراد اطلاعات مورد نیاز خود را از این شبکه‌ها به دست می‌آورند (طهماسبی پور، ۱۳۹۴). آوارو<sup>۳</sup> (۲۰۲۰) معتقد است، والدین به علت مسائل اخلاقی به تربیت جنسی فرزندان توجه خاصی نداشته و فرزندان اطلاعات جنسی خود را از طریق تجربیات خود با جنس مخالف، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و یا شبکه‌های تلویزیونی کسب می‌نمایند. بنابراین، تربیت جنسی که تحت تأثیر اطلاعات دریافتی افراد قرار دارد، می‌تواند تحت تأثیر این شبکه‌ها قرار داشته باشد. به‌طورکلی می‌توان گفت تربیت جنسی به همان میزان که مهم است به همان میزان مورد فراموشی و اهمال از سوی متولیان اصلی تربیت کودکان قرار گرفته است و همواره به دلیل وجود پاره‌ای از ابهام‌ها و سوءتفاهم‌های نظری و فکری و نیز موانع اجرایی با مشکلات فراوانی دست به‌گریبان بوده و همین امر، زمینه‌ساز ایجاد و بروز بسیاری از معضلات اجتماعی و انحراف‌های رفتاری در میان نسل جوان و به تبع آن، صرف هزینه‌های سنگین جهت مقابله با این انحرافات توسط نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط گردیده است. به‌طوری‌که آمارها نشان می‌دهد که ۹۰ درصد ناهنجاری‌ها و انحرافات جنسی کودکان و نوجوانان از ضعف دانش جنسی است. برای مثال نتایج پژوهش روح پرور، شاه علی و جواد نوری (۱۳۹۸) بیانگر مهارت ناکافی والدین در برقراری ارتباط با پسران نوجوان بود که بخش عمده آن نشأت گرفته از تابوهای

---

۱. Ahmed

۲. Boyd

۳. Awaru

فرهنگی از جمله شرم و حیا و ترس از شکستن حرمت‌ها بین والدین و فرزندان است. پژوهش ویه راه، فرناندز و ویه راه<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) بیانگر ناتوانی و مشکلات مختلف والدین و خانواده‌ها در زمینه تربیت جنسی فرزندان خود و درخواست و انتظار آن‌ها از مرکز آموزشی برای توجه به این حوزه است. نتایج تحقیق صادق مقدم، عسکری، اکبری، مظلوم و کرامتی (۱۳۸۴) نیز حاکی از آن است که تنها ۲۵/۹ درصد از مادران قادر به پاسخگویی صحیح به سؤالات فرزندان‌شان هستند. برخی مربیان مدارس نیز، کنجکاوی در مسائل مذکور را حرکتی زشت به حساب آورده و حاضر به پاسخگویی در این زمینه نمی‌باشند. بنابراین نوجوانان به‌سختی درگیر تفکرات شخصی خود شده و دچار احساس یاس و سردرگمی می‌شوند. از این رو طرح مسائل جنسی توسط والدین، افزایش آگاهی والدین از طریق کلاس‌های آموزش خانواده (گلی و محمدی احمدآبادی، ۱۳۹۸)، توانمندسازی والدین برای تربیت جنسی فرزندان همراه با نهادینه شدن آموزش‌های رسمی تربیت جنسی در قالب شیوه‌های فرزند پروری (روح پرور و همکاران، ۱۳۹۸) ضروری به نظر می‌رسد و اهمیت این مسئله، لزوم مطالعه و کشف راهکارها و روش‌های علمی جهت بهبود هرچه بیشتر تربیت جنسی فرزندان را می‌طلبد (پدرام و معروفی، ۱۳۹۹). لذا بررسی نیازمندی‌های آموزشی نوجوانان در خصوص تربیت جنسی، و نقش آموزش در فرآیند تصحیح یا تکمیل اندوخته‌ها و دانش جنسی آن‌ها در جهت ایفای مطلوب نقش خویش و همچنین ارائه یک چهارچوب و دستورالعمل مناسب آموزش جنسی به نوجوانان ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به آنچه گفته شد پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی ادراک از سبک تربیت جنسی والدین بر اساس باورهای معنوی و میزان استفاده از فضای مجازی در نوجوانان دوره متوسطه شهر ایلام انجام پذیرفت. بر این اساس فرضیه‌های پژوهش عبارت بودند از:

۱) ادراک از سبک تربیت جنسی مقتدرانه والدین براساس باورهای معنوی و میزان استفاده از فضای مجازی در نوجوانان پیش‌بینی می‌شود.

۲) ادراک از سبک تربیت جنسی مستبدانه والدین براساس باورهای معنوی و میزان استفاده از فضای مجازی در نوجوانان پیش‌بینی می‌شود.

۳) ادراک از سبک تربیت جنسی سهل‌گیرانه والدین براساس باورهای معنوی و میزان استفاده از فضای مجازی در نوجوانان پیش‌بینی می‌شود.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و در زمره تحقیقات توصیفی- همبستگی بود. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر ایلام بود. تعداد نمونه مورد نیاز از این جامعه، با سطح اطمینان ۹۵ درصد براساس فرمول پیشنهاد شده توسط کوکران برابر با ۱۸۳ نفر به دست آمد. با توجه به این که طرح پژوهش از نوع همبستگی است، پیش‌فرض کفایت تعداد نمونه برای برآورد پارامترها مدنظر قرار گرفت. بنتلو و چو (۱۹۹۸) (به نقل از هومن، ۱۳۹۸) بیان می‌کنند که ۲۰ مورد برای هر پارامتر یک حجم نمونه بسیار مناسب است و به شرط نرمال بودن توزیع متغیرها و نبود داده‌های پرت و موارد گمشده، حجم گروه نمونه را می‌توان تا ۵ مورد برای هر پارامتر برآورد شده کاهش داد. تعداد نمونه در پژوهش حاضر به ازای هر پارامتر بیش از ۲۰ نفر بود. حجم نمونه نهایی در این پژوهش با احتساب بیش برآورد ۲۰۰ نفر محاسبه شد. روش نمونه‌گیری غیرتصادفی بود و گروه نمونه در شبکه‌های مجازی به صورت در دسترس انتخاب و وارد پژوهش شدند. ابزار گردآوری اطلاعات شامل موارد زیر بود:

۱) پرسشنامه میزان استفاده از فضای مجازی<sup>۱</sup> (SNUQ): پرسشنامه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه توسط رسول آبادی (۱۳۹۴) به منظور سنجش میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه طراحی شده است. این پرسشنامه دارای ۱۳ سؤال می‌باشد و بر اساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت با سؤالاتی مانند (به‌طور متوسط در شبانه‌روز چند ساعت از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه استفاده می‌کنید؟) به سنجش میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه می‌پردازد. در این تحقیق منظور از میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه نمره‌ای است که پاسخ‌دهندگان به سؤالات ۱۳ گویه‌ای پرسشنامه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه می‌دهند. پرسشنامه تک عاملی است. حد پایین نمره ۱۳ و حد بالای آن ۶۵ است. نمره بین ۱۳ تا ۲۱ نشان‌دهنده میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه در حد پایین، نمره بین ۲۲ تا ۴۴ حاکی از میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه در حد متوسط و نمره بالاتر از ۴۴ میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه در حد بالا است. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده در

---

۱. Social Networking Usage Questionnaire

پژوهش رسول آبادی (۱۳۹۴) برای این پرسشنامه بالای ۷۰ درصد برآورد شد. همچنین در پژوهش علوی (۱۳۹۹) ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه برابر با ۸ درصد بود.

۲) پرسشنامه ادراک از سبک تربیتی والدین<sup>۱</sup> (PSESQ): این پرسشنامه برای اولین بار توسط عبدالله زاده و کیخسروی (۱۳۹۸) ساخته شده است این مقیاس دارای ۳۳ سؤال است. تحلیل سؤال‌ها و بررسی‌های اولیه روان‌سنجی بیانگر وجود سه عامل سبک تربیت جنسی سخت‌گیرانه، آزادگذار و مقتدرانه در آن بوده است. این پرسشنامه بر اساس طیف پنج‌گزینه ای لیکرت (کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم) بوده که به ترتیب نمره ۰-۱-۲-۳-۴ به آن‌ها تعلق گرفته است. در پژوهش عبدالله زاده و کیخسروی (۱۳۹۸) ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۷۵ درصد بود.

۳) پرسشنامه باورهای معنوی<sup>۲</sup> (R/SI): این پرسشنامه برگرفته از پرسشنامه ۳۹ گویه‌ای معنویت (دین‌داری) است که در سال ۱۹۹۹ توسط مؤسسه ملی سلامت ایالت متحده تدوین و هنجاریابی شد. این پرسشنامه به صورت لیکرت در یک مقیاس چهار درجه‌ای بین هرگز (۱) و همیشه (۴) است. حداکثر نمره در این پرسشنامه ۱۴۰ و حداقل نمره ۳۹ است. که نمره بالا نشانگر معنویت (دین‌داری) بالا است (به نقل از عبادت پور، نوابی نژاد، شفیع آبادی و فلسفی نژاد، ۱۳۹۲). میزان معنویت (دین‌داری) هر آزمودنی در پژوهش حاضر برابر با نمره خام به دست آمده تقسیم بر ۱۴۰ ضرب در ۱۰۰ است. پایایی این پرسشنامه در پژوهش عبادت پور و همکاران (۱۳۹۲) با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۸۸ درصد به دست آمد و نتایج روایی سازه پرسشنامه نیز با استفاده از روش تحلیل عاملی (اکتشافی و تأییدی) نشان داد که معرف‌های انتخاب‌شده برای سنجش معنویت (دین‌داری) از روایی لازم برخوردار بوده و به خوبی می‌توانند باورهای معنوی را بسنجند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون هم‌زمان و نرم‌افزار SPSS-21 استفاده شد.

---

1. Parental Sexual Education Styles Questionnaire

۲. Religiosity/Spirituality Inventory



## یافته‌ها

یافته‌های تحقیق نشان‌دهنده آن بود که ۴۵ نفر از شرکت‌کنندگان (۲۲/۵ درصد) در تحقیق پسر و ۱۵۵ نفر (۷۷/۵ درصد) دختر بودند. ۳۵ نفر از شرکت‌کنندگان (۱۷/۵ درصد) دارای سن ۱۲ تا ۱۳ سال و ۱۶۵ نفر (۸۲/۵ درصد) سن بالای ۱۳ سال تا ۱۵ سال بودند. که همگی در مقطع تحصیلی راهنمایی تحصیل می‌کردند. ۱۴۵ نفر از شرکت‌کنندگان (۷۲/۵ درصد) در مدرسه دولتی، ۱۵ نفر (۷/۵ درصد) در مدرسه غیردولتی و ۴۰ نفر (۲۰ درصد) در مدرسه هیئت‌امنایی در حال تحصیل بودند. ۴۷ نفر (۲۳/۵ درصد) از افراد شرکت‌کننده در تحقیق دارای معدل ۱۵ تا ۱۷، ۱۲۴ نفر (۶۲ درصد) از افراد شرکت‌کننده دارای معدل بالای ۱۷ و ۲۹ نفر (۱۴/۵ درصد) از افراد شرکت‌کننده در تحقیق دارای معدل زیر ۱۵ بودند. ۱۳ نفر (۶/۵ درصد) از افراد شرکت‌کننده در تحقیق دارای پدر یا مادر با سطح تحصیلات دکتری و بالاتر، ۱۲ نفر (۶ درصد) تحقیق دارای پدر یا مادر با سطح تحصیلات کارشناسی ارشد، ۴۰ نفر (۲۰ درصد) دارای پدر یا مادر با سطح تحصیلات کارشناسی، ۷۷ نفر (۳۸/۵ درصد) دارای پدر یا مادر با سطح تحصیلات دیپلم و ۵۸ نفر (۲۹ درصد) دارای پدر یا مادر با سطح تحصیلات زیر دیپلم بودند.

در جدول ۱ میانگین، انحراف استاندارد، آلفای کرونباخ، چولگی و کشیدگی مربوط به مؤلفه‌های باورهای معنوی، میزان استفاده از فضای مجازی و سبک‌های تربیت جنسی والدین (مقتدرانه، مستبدانه و سهل‌گیرانه) ارائه شده است.

جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

میانگین	انحراف استاندارد	آلفای کرونباخ	چولگی	کشیدگی	
۱۰۲/۸۶	۲۴/۰۱	۰/۸۵	۰/۱۱	-۱/۲۸	باورهای معنوی
۳۸/۵۵	۱۳/۷۰	۰/۹	-۰/۲۵	-۰/۷۳	استفاده از فضای مجازی
۳۴/۳۰	۱۷/۵۳	۰/۸۲	-۰/۶۲	-۰/۸۲	سبک تربیت جنسی مقتدرانه
۱۸/۷۲	۱۳/۱۳	۰/۸۷	۰/۷۸	-۰/۳۶	سبک تربیت جنسی مستبدانه
۱۹/۲۰	۱۲/۰۱	۰/۷۱	۰/۸۲	-۰/۳۹	سبک تربیت جنسی سهل‌گیرانه

همان‌طور که در جدول ۱ قابل مشاهده است، آلفای کرونباخ تمامی متغیرهای تحقیق از ۰/۷ بیشتر می‌باشد که این موضوع بیانگر همسانی درونی خوب ابزارهای به‌کاررفته جهت سنجش متغیرهای تحقیق می‌باشد. همچنین شاخص‌های مربوط به چولگی و کشیدگی هیچ‌کدام از متغیرهای پژوهش خارج از محدوده  $\pm 2$  نیست در نتیجه فرض نرمال بودن متغیرهای تحقیق تأیید می‌شود.

جدول ۲. ضریب همبستگی بین مؤلفه‌های تحقیق

سبک تربیت جنسی	سبک تربیت جنسی	استفاده از فضای مجازی	باورهای معنوی	
مستبدانه	مقتدرانه	مجازی		
			-۰/۹۱	استفاده از فضای مجازی
		-۰/۷۷	۰/۸۱	سبک تربیت جنسی مقتدرانه
	-۰/۹۷	۰/۷۵	-۰/۷۸	سبک تربیت جنسی مستبدانه
۰/۹۳	-۰/۹۷	۰/۷۳	-۰/۷۷	سبک تربیت جنسی سهل‌گیرانه

در جدول ۲ ضریب همبستگی بین متغیرهای تحقیق نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، سبک تربیت جنسی مقتدرانه در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ با مؤلفه استفاده از فضای مجازی دارای همبستگی منفی، و با مؤلفه باورهای معنوی در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ دارای همبستگی مثبت می‌باشد. همچنین سبک‌های تربیت جنسی مستبدانه و سهل‌گیرانه در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ با مؤلفه استفاده از فضای مجازی دارای همبستگی مثبت، و با مؤلفه باورهای معنوی در سطح معنی‌داری ۰/۰۱ دارای همبستگی منفی می‌باشند.

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیونی چندمتغیره جهت بررسی ارتباط باورهای معنوی و میزان استفاده از فضای مجازی با سبک تربیت

جنسی مقتدرانه

ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد
-----------------	--------------------



۰/۰۰	-۰/۳۱	-۰/۵۷	۰/۰۳	۰/۱۸	۰/۶۰	/۶۰	۰	باورهای معنوی
				-		.		
۰/۰۳	۲/۱۶	۰/۲۳	۰/۰۶	۰/۱۳	۰/۶۱	/۶۱	۰/۰۱	استفاده از فضای مجازی
						.		

همان‌طور که در جدول ۴ قابل مشاهده است، مؤلفه باورهای معنوی در مرحله اول و استفاده از فضای مجازی در مرحله دوم وارد مدل تحلیل رگرسیونی شدند. با وارد شدن مؤلفه باورهای معنوی،  $R^2$  به ۶۰ درصد رسید. این یافته بدان معناست که باورهای معنوی، ۶۰ درصد از واریانس سبک تربیت جنسی مستبدانه را پیش‌بینی می‌کند. همچنین تغییرات  $R^2$  در جدول ۴ برای استفاده از فضای مجازی برابر است با ۱ درصد. این بدان معناست که استفاده از فضای مجازی می‌تواند ۱ درصد از واریانس سبک تربیت جنسی مستبدانه را تبیین نماید. در نتیجه باورهای معنوی و استفاده از فضای مجازی می‌توانند ۶۰ درصد از تغییرات واریانس سبک تربیت جنسی مستبدانه را تبیین نمایند بنابراین فرضیه دوم تحقیق در رابطه با پیش‌بینی شدن ادراک از سبک تربیت جنسی مستبدانه والدین براساس باورهای معنوی و میزان استفاده از فضای مجازی در نوجوانان تأیید می‌شود.

جدول ۵. نتایج تحلیل رگرسیونی چندمتغیره جهت بررسی ارتباط باورهای معنوی و میزان استفاده از فضای مجازی با سبک تربیت

#### جنسی سهل‌گیرانه

ضرایب استاندارد		ضرایب غیراستاندارد		خطای استاندارد	بتا	Adjusted $R^2$	$R^2$	$\Delta R^2$	مدل
خطای معنی‌دار	خطای استاندارد	بتا	خطای استاندارد						
سطح									
ی									
۰/۰۰	-۱۶/۸۴	-۰/۷۷	۰/۰۱	۰/۲۵	-	۰/۵۹	/۵۹	۰	باورهای معنوی
							.		
حذف از مدل رگرسیونی					استفاده از فضای مجازی				

همان‌طور که در جدول ۵ قابل مشاهده است، مؤلفه باورهای معنوی در مرحله اول وارد مدل تحلیل رگرسیونی شدند. با وارد شدن مؤلفه باورهای معنوی،  $R^2$  به ۵۹ درصد رسید. این یافته بدان معناست که باورهای معنوی، ۵۹ درصد از واریانس سبک تربیت جنسی سهل‌گیرانه را پیش‌بینی می‌کند. همچنین متغیر استفاده از فضای مجازی از مدل تحلیل رگرسیونی پیش‌بینی سبک تربیت جنسی سهل‌گیرانه حذف شده است. در نتیجه فرضیه سوم تحقیق در رابطه با پیش‌بینی شدن ادراک از سبک تربیت جنسی سهل‌گیرانه والدین بر اساس تأثیر هم‌زمان باورهای معنوی و میزان استفاده از فضای مجازی در نوجوانان تأیید نمی‌شود.

## بحث و نتیجه‌گیری

امروزه، بی‌تفاوتی تعدادی از والدین نسبت به تربیت جنسی کودکان، پیشرفت فناوری‌های جدید و وفور اطلاعات درهم‌آمیخته شده درست و غلط در خصوص مسائل جنسی و افزایش قدرت دخالت دیگران در امر تربیت، همچنین ریشه‌دار بودن اکثر مشکلات جوانان در سنین کودکی و نوجوانی، مرحله اطلاع‌یابی کودکان و حساسیت آن‌ها به مسائل جنسی، پیدایش بلوغ زودرس و نیز مطرح نشدن این موضوع در انجمن‌های والدین به دلایل عدیده و بسیاری ناگفته‌های دیگر، ضرورت پرداختن به پژوهش‌هایی در ارتباط با سبک تربیت جنسی، برپایه درکی درست از شرایط زندگی کنونی کودکان و شناسایی مؤلفه‌های اصلی آن متناسب با مقتضیات زمانه را روشن می‌سازد. پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی ادراک از سبک تربیت جنسی والدین براساس باورهای معنوی و میزان استفاده از فضای مجازی در نوجوانان دوره متوسطه شهر ایلام انجام پذیرفت.

در ارزیابی فرضیه اول پژوهش نتایج نشان داد که باورهای معنوی، ۶۵ درصد از واریانس سبک تربیت جنسی مقتدرانه را پیش‌بینی می‌کند. همچنین استفاده از فضای مجازی می‌تواند ۱ درصد از واریانس سبک تربیت جنسی مقتدرانه را تبیین نماید. در نتیجه باورهای معنوی و استفاده از فضای مجازی می‌توانند ۶۶ درصد از تغییرات واریانس سبک تربیت جنسی مقتدرانه را تبیین نمایند بنابراین فرضیه اول پژوهش مورد تأیید قرار گرفت. نتایج پژوهش حاضر به صورت ضمنی با پژوهش طاوسی، شفیعی آبادی و سلیمی بجزستانی (۱۳۹۹)، گلی و محمدی احمدآبادی (۱۳۹۸)، تربیتی و

همکاران (۱۳۹۸)، روح پرور و همکاران (۱۳۹۸)، میریان و کشتی آرا (۱۳۹۷)، صادقی (۱۳۹۸)، ابوالقاسمی، مرقاتی خویی و تقدیسی (۱۳۸۹)، معصومی (۱۳۹۱)، مازره (۲۰۱۶)، رناندز و ویه ریرا (۲۰۰۸) همسو و همخوان است.

امروزه شبکه‌های اجتماعی و تلفن همراه با پتانسیل‌های مثبت و کاربردهای مفید جنبه‌های گوناگون زندگی انسان را تحت تأثیر قرار داده و تسریع و تسهیل در به دست آوردن اطلاعات را برای دنیای امروز به ارمغان آورده است. این شبکه جهانی در حال گسترش می‌تواند اثرات مثبت و منفی زیادی داشته باشد و با تأثیرگذاری بر افکار و نگرش افراد، بسیاری از جنبه‌های زندگی آن‌ها را به صورت مثبت یا منفی تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. بنابراین شبکه‌های اجتماعی در زمینه زندگی افراد با انتقال دانش و آگاهی و اطلاعات مورد نیاز، به طور حتم تأثیرات مهمی بر روند زندگی خواهد داشت.

در تبیین یافته‌های پژوهش می‌توان به نظریه گافمن اشاره نمود. براساس نظریه گافمن، ظهور فناوری‌های نوین ارتباطی دگرگونی بنیادی را در کیفیت و سبک زندگی انسانی ایجاد کرده است. از آنجا که انتقال و جریان فرهنگ از طریق شبکه‌های اجتماعی به راحتی انجام می‌گیرد، تربیت جنسی نیز از این قاعده مستثنی نیست و می‌تواند عقاید، نگرش و رفتارهای افراد را تحت تأثیر قرار دهد و با دادن اطلاعات و افزایش دانش آن‌ها در جهت مثبت یا منفی در تربیت جنسی نقش داشته باشد. شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی شرایطی متفاوت با روابط رودررو را برای کاربران فراهم می‌کند. سرعت عمل، ناشناس ماندن و ویژگی‌های دیگر، فضای یکسان و مشابهی را فارغ از الزامات چون جنسیت، طبقه، قوم، نژاد و مکان فراهم می‌کند که تجارب متفاوتی را برای کاربران ایجاد می‌کند. تعاملاتی که در این فضا اتفاق می‌افتد، برای کاربران اینترنتی ذهنیت و گرایش جدیدی ایجاد می‌کند که می‌تواند رفتار و تعاملات آن‌ها را در دنیای حقیقی تغییراتی هرچند جزئی بدهد. ارتباطات اینترنتی می‌تواند انگیزه بیشتری را برای کاربران در بازی با هویت، رفتارهای آزمایشی و ارائه تصویری غیرواقعی فراهم سازد که ریسک شرمندگی و احساس گناه در آن کمتر است. ایجاد محتوا توسط اعضا، تعامل و تأثیرگذاری مخاطبان در تولید و انتخاب محتوای دلخواه، و قدرت انتخاب بیشتر، موجب تأثیرگذاری بیشتر این شبکه‌ها بر جنبه‌های مختلف رفتار افراد است. در همین راستا نوجوانان که از مشتریان همیشگی این شبکه‌ها هستند به راحتی می‌توانند اطلاعات لازم را به طور مستقیم از این شبکه‌ها کسب کنند، که یکی از این موارد می‌تواند اطلاعات مرتبط با تربیت جنسی باشد که در این مورد کانال‌های زیادی در این شبکه‌ها وجود دارد. اما آنچه قابل ملاحظه است

کمرنگ شدن ارزش‌های اخلاقی دانش‌آموزان به‌واسطه مطالب، عکس و فیلم‌های غیراخلاقی در برخی از این کانال‌ها است و همچنین از آنجا که دین و مذهب با روح و فکر مردم سروکار دارد و اساس و شالوده‌اش بر ایمان و یقین استوار است خواه و ناخواه راهی جز منطقی و استدلال نمی‌تواند داشته باشد. همچنین مذهب نمی‌تواند جنبه تحمیلی داشته باشد، زیرا اصولاً دین از یک سلسله اعتقادات قلبی ریشه و مایه می‌گیرد که ممکن نیست تحمیلی باشد.

از طرفی برخی نظام‌های آموزشی دنیا معتقدند که برای آموزش ارزش‌ها و فضایل اخلاقی به کودکان، باید آن‌ها را به ابزار تأمل، در یک بستر پژوهشی، به گونه‌ای که روش‌شناسی آن خود تصحیح‌گری و خود انتقادی است مجهز نمود (لیپمن، ۱۹۸۸). در واقع یک شخصیت بافضیلت، کسی است که سازوکار اجتماعی عقلانیت در عملیات سازمانی را درونی کرده باشد، یعنی آن را برای خود پذیرفته باشد. به‌طورکلی، آموزش کودکان برای تبدیل شدن به شهروندانی فضیلت‌مدار، چیزی فراتر از آماده‌سازی آن‌ها به‌عنوان تصمیم‌گیرندگان خوب است، چون آن‌ها باید یاد بگیرند چگونه زندگی کنند تا احتمال بروز بحران‌های اجتماعی کمتر شود و در صورت وقوع بحران‌ها تدبیر بهتری بیندیشند. چنین تربیتی از نظر جرم و اعتیاد و آسیب‌ها، پیشگیرانه است و علاوه بر رشد اخلاقی کودکان، نسل جدیدی از والدین را می‌سازد که شاید در انتقال ارزش‌های معقول و سبک زندگی سالم به فرزندان‌شان کارآمدتر باشند (همان: ۴۹ و ۵۰). چراکه، پایبندی به رعایت «منطق و استدلال» به یکپارچگی بین عقاید و عادت‌ها انجامیده و بهترین راه حفظ عفت است (همو، ۱۳۹۵: ۲۸۰-۲۸۴).

بنابراین به نظر می‌رسد که استفاده صحیح از فضای مجازی و برخورداری از باورهای معنوی قوی و ارزش‌های نهادینه شده تنها در خانواده‌ای با والدین دارای سبک فرزندپروری مقتدرانه که از چنین روش‌هایی برای تربیت فرزندان‌شان بهره می‌گیرند امکان دارد. والدینی که این الگوی فرزندپروری را دارند، به فرزندان خود استقلال و آزادی فکری می‌دهند و آن‌ها را تشویق می‌کنند و نوعی محدودیت و کنترل را بر آن‌ها اعمال می‌دارند. در خانواده‌هایی با والدین مقتدر نظرها و ارتباط اخلاقی وسیع در تعامل نوجوان و والدین وجود دارد و گرمی و صمیمیت نسبت به نوجوان در سطح بالاست. نوجوانان دارای چنین والدینی متکی به نفس هستند، با همسالان روابط دوستانه دارند. با فشار روحی مقابله می‌کنند سرزنده و با انرژی هستند. این والدین قوانین واضحی را وضع می‌کنند و به‌طور پیوسته آن را دقیق اجرا می‌کنند. اما آن‌ها دلیل و منطق این قوانین و محدودیت‌ها را توضیح می‌دهند، نسبت به نیازها و دیدگاه‌های نوجوانان‌شان پاسخ‌دهنده

هستند و نوجوانان‌شان را در تصمیمات خانواده دخالت می‌دهند. آن‌ها در رویکرد خودشان مستقل و آزادمنش هستند والدین مقتدر بیشترین کمک را به ایجاد و شکل‌گیری هویت مثبت نوجوانان می‌کنند. در خانواده‌هایی با والدین مقتدر، نوجوانان آزادانه و با احساس راحتی بیشتری به والدین خود محبت می‌کنند. این شیوه فرزندپروری درجات بالاتری از شایستگی، رشد اجتماعی، خود ادراکی و سلامت روانی را به دنبال دارد (عالیپور و همکاران، ۱۳۹۰). والدین مقتدر در شکل‌گیری باورهای معنوی مثبت نقش مهمی دارند و همچنین میزان استفاده از فضای مجازی در خانواده‌های دارای والدین مقتدر، متناسب است. در دوره نوجوانی والدین مقتدر آموزش‌های جنسی را به صورت علمی شروع می‌کنند و به نوجوان کمک می‌کنند تا چالش‌های جنسی خود را به نحو احسن حل کنند. فرزندان دارای والدین مقتدر، گرم و پذیرا هستند و جوی صمیمانه را در خانواده به وجود می‌آورند. ارتباط‌های نزدیکی میان فرزندان و والدین وجود دارد، آن‌ها از فرزند خود انتظار دارند که قاطع، دارای حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی، خودنظم‌جو و مشارکت‌کننده باشند. این فرزندان افرادی مستقل بار می‌آیند، که اغلب رفتار اجتماعی شایسته‌ای دارند، بر رفتارهای خود کنترل داشته و با دوستان و همسالان خود رفتار دوستانه‌ای دارند و برای پاسخ به سؤالات جنسی از والدین خود کمک می‌گیرند. به‌طورکلی، در عصر فضای مجازی که کودکان در انبوه اطلاعات ارزشی و ضد ارزشی محاصره شده‌اند، برای اینکه بتوانیم آن‌ها را آزادانه به سوی پذیرش ارزش‌های پایدار هدایت کنیم، باید اجازه دهیم تا برای همدیگر دلیل بیاورند. باید توجه داشت هنگامی که کودکان، شروع به دلیل آوردن درباره ارزش‌ها کنند به تدریج ارزش‌گذارانه فکر خواهند کرد (لیپمن، ۱۳۹۸: ۸۲-۸۸).

بر همین اساس امروزه برخی پژوهش‌ها تلاش نموده‌اند تا با ارائه سبک جدیدی از تربیت جنسی، برپایه آموزش مهارت‌های شناختی و اجتماعی کودکان و نوجوانان، با هدف تقویت و بالا بردن مهارت استدلال، داوری، قدرت تمییز و حل مسئله، والدین را در رشد و تقویت هوش جنسی و توانمندسازی کودکان، برای مدیریت صحیح میل جنسی و بروز رفتارهای جنسی مناسب یاری دهند (بیرانوند و همکاران: ۱۴۰۱).

در ارزیابی فرضیه دوم نتایج نشان داد باورهای معنوی، ۶۰ درصد از واریانس سبک تربیت جنسی مستبدانه را پیش‌بینی می‌کند. همچنین استفاده از فضای مجازی می‌تواند ۱ درصد از واریانس سبک تربیت جنسی مستبدانه را تبیین نماید. در نتیجه باورهای معنوی و استفاده از فضای مجازی می‌تواند ۶۰ درصد از تغییرات واریانس سبک تربیت جنسی



مستبدانه را تبیین نمایند بنابراین فرضیه دوم تحقیق تأیید شد. نتایج پژوهش حاضر به صورت ضمنی با پژوهش طاوسی، شفیع آبادی و سلیمی بجستانی (۱۳۹۹)، گلی و محمدی احمدآبادی (۱۳۹۸)، تربتی و همکاران (۱۳۹۸)، روح پرور و همکاران (۱۳۹۸)، میریان و کشتی آرا (۱۳۹۷)، صادقی (۱۳۹۸)، ابوالقاسمی، مرقاتی خوبی و تقدیسی (۱۳۸۹)، معصومی (۱۳۹۱)، مازره (۲۰۱۶)، رناندز و ویه ریرا (۲۰۰۸) همسو و همخوان است.

در تبیین یافته‌های پژوهش می‌توان گفت وقتی نوجوانان بیش از اندازه برای فهم مسائل و حل چالش‌های جنسی از شبکه‌های مجازی استفاده می‌کنند و از طرفی نیز وقتی استفاده از فضای مجازی برای مسائل جنسی به صورت معتادگونه اتفاق بیفتد، باورهای معنوی در نوجوانان ضعیف می‌شود و نوجوان کمتر به تقویت باورهای معنوی و مذهبی می‌پردازد و از طرفی نیز وقتی نوجوان نتواند پاسخ سؤالاتش را از والدین بگیرد؛ در نتیجه ادراک از سبک تربیت جنسی در نوجوان مستبدانه می‌شود. در ادامه سبک فرزندپروری مستبدانه مطرح می‌شود که بدین صورت است که شیوه فرزندپروری استبدادی با ویژگی‌های توقع بالا و پذیرش مشخص شده است. والدینی که این شیوه را دارند ممکن است چنین نگرش‌هایی داشته باشند «جایی که من می‌گویم برو» «زیرا من این‌طور می‌گویم» بیشتر جوانان چنین برخوردی را نمی‌پذیرند و ضد والدینی هستند که از این شیوه استفاده می‌کنند. این والدین قوانین خود را به صورت انعطاف‌ناپذیری تحمیل می‌کنند و از نظر تربیتی خشن و تنبیه‌گرند. با رفتار بد مقابله می‌کنند و نوجوان بدرفتار را تنبیه می‌کنند، ابراز محبت و صمیمیت آن‌ها نسبت به نوجوانان در سطح پایین است. آن‌ها (والدین خشن) امیال نوجوانان را در نظر نمی‌گیرند و عقایدشان را جویا نمی‌شوند. نوجوانان دارای چنین والدینی ثبات روحی و فکری ندارند، آن‌ها زود ناراحت می‌شوند و در برابر فشار روانی آسیب‌پذیرند. والدین مستبد تمایل به یک انضباط مطلق و تنبیهی بدون ارتباط متقابل دارند. به این معنا که آن‌ها فرمان بیشتری به نوجوانان خود می‌دهند و زمانی که خواسته‌هایشان کاملاً انجام نمی‌شود، به سرعت نوجوانان خود را تنبیه می‌کنند. این والدین انتظار دارند بدون هیچ توضیحی از دستورات آن‌ها اطاعت شود. نوجوانان دارای چنین والدینی، رفتار خوبی دارند اما ممکن است افسرده باشند، این نوجوانان تمایل دارند عملکرد خوبی در مدرسه داشته باشند و در رفتارهای مشکل‌آفرین درگیر نمی‌شوند، اما مهارت‌های اجتماعی آنان ضعیف است و عزت‌نفس پایین دارند (عالیپور و همکاران، ۱۳۹۰). می‌توان چنین بیان نمود از آنجا که در این شیوه والدین تنبیه‌کننده، محدودکننده، ناراضی، انعطاف‌ناپذیر، کنترل‌گر، متوقع و صریح هستند، و به نیاز نوجوانان در حداقل میزان خود پاسخ

می‌دهند، و در رفتار خود با فرزندان کنترل زیادی اعمال می‌نمایند و هیچ‌گونه استدلالی برای محدودیت‌هایشان ارائه نمی‌دهند در نتیجه فرزندان والدین مستبد ناخشنود و معمولاً ناراضی هستند و به دلیل فشار و کنترل شدیدی که از جانب والدین بر آن‌ها اعمال می‌شود رابطه نزدیک و صمیمی با والدین خود ندارند که این روابط سرد میان والدین و فرزندان با افزایش گرایش فرزندان به فضای مجازی رابطه مستقیم و معنادار دارد.

در ارزیابی فرضیه سوم پژوهش نتایج نشان داد که باورهای معنوی، ۵۹ درصد از واریانس سبک تربیت جنسی سهل‌گیرانه را پیش‌بینی می‌کند. همچنین متغیر استفاده از فضای مجازی از مدل تحلیل رگرسیونی پیش‌بینی سبک تربیت جنسی سهل‌گیرانه حذف شده است. در نتیجه فرضیه سوم تحقیق در رابطه با پیش‌بینی شدن ادراک از سبک تربیت جنسی سهل‌گیرانه والدین بر اساس تأثیر هم‌زمان باورهای معنوی و میزان استفاده از فضای مجازی در نوجوانان تأیید نمی‌شود. نتایج پژوهش حاضر به صورت ضمنی با پژوهش گلی و محمدی احمدآبادی (۱۳۹۸) ناهمسو و همخوان است.

در تبیین یافته‌های پژوهش می‌توان گفت والدین شیوه سهل‌گیر نقطه مقابل والدین مستبد هستند. زیرا آن‌ها به صورتی افراطی نسبت به نوجوانان خود پذیرش و پاسخ‌دهی دارند. اما آن‌ها توقعی از فرزندان خود ندارند. این والدین از جمله کسانی هستند که به نوجوانان خود اجازه می‌دهند با آنان بدرفتاری کنند. در این خانواده، نظم و ترتیب و قانون کمی حکم‌فرماست و پایبندی اعضا به قوانین و آداب و رسوم اجتماعی پایین می‌باشد. بسیاری از این والدین نسبت به آموزش رفتارهای اجتماعی فرزند خود سهل‌انگارند، به طوری که چندان توجهی به آموزش آداب غذا خوردن به فرزند خود ندارند. نوجوان را از آسیب رساندن به اسباب خانه یا سایر اشیاء منع نمی‌کنند. اهمیتی به پاکیزگی یا اطاعت نمی‌دهند، از نظر آنان پرخاشگری و خودارضایی طبیعی است. اجازه می‌دهند که فرزندان‌شان مدت‌زمان طولانی بدون نظارت یا دخالت بزرگسالان بازی کنند. در این خانواده‌ها هر کس هر کاری که بخواهد می‌تواند انجام دهد و فرزندان در چنین خانواده‌هایی دارای استقلال فکری و عملی هستند و به سبب هرج و مرج نوعی تزلزل روحی در این‌گونه خانواده‌ها به چشم می‌خورد. این تزلزل باعث بی‌بندوباری نوجوانان می‌شود. موجب می‌شود نوجوانان نسبت به زندگی احساس مسئولیت نکنند. از ویژگی‌های دیگر این فرزندان مقاومت در برابر بزرگسالان، اتکا به نفس پایین، خشمگین شدن تکانشی و پرخاشگر بودن آن‌ها می‌باشد. و نوجوانان این خانواده‌ها احتمال بیشتری دارد که در رفتارهای مشکل‌آفرین

درگیر شوند (عالیپور و همکاران، ۱۳۹۰). والدین سهل‌گیر ممنوعیت و محدودیت اندکی برای نوجوانان قائل می‌شوند، چون معتقدند که ترکیبی از حمایت و تأمین نیازهای نوجوان و نداشتن محدودیت باعث می‌شود تا نوجوان خلاق، و با اعتماد شود. والدین سهل‌گیر با روابط گرم و پذیرا، کنترل چندانی روی فرزندان خود ندارند و فشار کمتری روی آنان اعمال می‌کنند. در سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه به دلیل اینکه والدین حضور پررنگ و تأثیرگذاری بر نوجوان ندارند، نمی‌توانند تأثیر عمیق و مؤثری به‌عنوان یک مرجع قدرت قدرتمند و باثبات بر ذهن نوجوان داشته باشند و در نتیجه قادر نیستند باورهای معنوی را در نوجوان ایجاد نمایند. بنابراین باورهای معنوی در فرزندان ضعیف شکل می‌گیرد و نوجوانان برای حل مسائل جنسی خود به‌صورت آزادانه و بدون محدودیت از منابع متفاوتی غیر از خانواده، اطلاعات کسب می‌کند. در نتیجه ادراک از سبک تربیت جنسی والدین در این نوجوانان، سهل‌گیرانه بود.

## پیشنهادات و محدودیت‌ها

بنابر نتایج به دست آمده از این پژوهش پیشنهاد می‌شود مشاوران و متخصصان یاورانه در فرایند ارزیابی مراجعانی که از مسائل مربوط به ادراک سبک تربیتی جنسی مستبدانه و سهل‌گیرانه رنج می‌برند، مؤلفه باورهای معنوی و میزان استفاده از فضای مجازی را بررسی کنند و از نتایج این پژوهش در راستای فعالیت‌های خود بهره‌گیرند؛ پیشنهاد می‌گردد آموزش‌های عمومی و اختصاصی و مهارت‌های انگیزشی در مراکز مشاوره به‌صورت جلسه‌های عمومی و خصوصی تشکیل گردد که می‌تواند به افراد در بهبود اطلاعات آن‌ها در این امر یاری رساند؛ پیشنهاد می‌گردد تا اقداماتی در جهت توانمندسازی نوجوانان در مواجهه با چالش‌های جنسی با آموزش مهارت‌های تربیت جنسی مناسب در جهت ایجاد شرایط ایده‌آل برای جلوگیری از بحران‌های آسیب‌زا در موقعیت‌های اجتماعی آنان صورت گیرد؛ همچنین پیشنهاد می‌شود با آموزش مهارت‌های فرزندپروری مقتدرانه به والدین نوجوانان، مهارت تربیت جنسی مقتدرانه در آنان را افزایش داده که این امر منجر به بهبود سلامت روان فرزندان می‌شود.

هر پژوهشی با محدودیت‌هایی موجه است که در پژوهش حاضر این محدودیت‌ها عبارتند از: نتیجه تحقیق فقط در مورد جامعه انتخاب‌شده قابل‌تعمیم است، لذا در تعمیم نتایج آن به سایر گروه‌ها یا جوامع دیگر باید احتیاط نمود؛ تنها ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه بوده که جنبه خودگزارشی دارد. به همین دلیل خالی از اشکال و سوگیری

در پاسخ‌گویی نیست. با استفاده از مشاهده و مصاحبه می‌توان با دقت بیشتری متغیرهای پژوهش را بررسی کرد؛ به دلیل شرایط فرهنگی حاکم بر شهر ایلام، نمونه‌گیری در این پژوهش غیرتصادفی و دردسترس انجام پذیرفت. بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده تا حد ممکن از روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته استفاده گردد؛ پژوهش حاضر در بین مدارس دوره ابتدایی و دوره‌های تحصیلی دیگر و سایر اقشار نیز اجرا شود؛ بهتر است پژوهشگران علاوه بر جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه، از شیوه‌های دیگر جمع‌آوری اطلاعات از جمله مصاحبه با نوجوانان نیز استفاده کنند؛ نقش واسطه‌ای متغیرهای متفاوت در رابطه‌ی بین سبک‌های تربیتی جنسی والدین با باورهای معنوی بررسی گردد؛ برای کسب نتایج قطعی‌تر در این زمینه تحقیقات آزمایشی نیز با کنترل متغیرهای مداخله‌گر به‌ویژه فاکتورهای شخصی و شخصیتی نوجوانان انجام گردد؛ در پژوهش‌های آتی آثار ویژگی‌های خانواده از جمله موقعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده در ادراک از سبک‌های تربیت جنسی والدین نیز مورد بررسی قرار گیرد.

## تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی نویسنده اول در دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیک است. بدین‌وسیله از تمامی شرکت‌کنندگان در این پژوهش تشکر و قدردانی می‌شود.

## فهرست منابع

ابوالقاسمی، ناریا، مرقاتی خویی، عفت السادات و تقدیسی، محمدحسین. (۱۳۸۹). تبیین تربیت جنسی دانش‌آموزان ایرانی از دیدگاه مربیان بهداشت مدارس ابتدایی. *مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی*، ۸(۲)، ۲۷-۳۹.

بیرانوند، زینب، ضرغامی، سعید، قائدی، یحیی و فرمهینی فراهانی، محسن. (۱۴۰۱). تبیین الگوی مفهومی تربیت جنسی در فضای مجازی مبتنی بر فلسفه برای کودکان. *نشریه ایرانی آموزش از دور*، ۴(۲)، ۱۰۰-۱۱۵.

پدرام، احمد و معروفی، محسن. (۱۳۹۹). *دلواپسی‌های جنسی پدر، مادر و فرزند*. تهران: ترانه پدرام.

تربیتی، سروناز، تاجیک اسماعیلی، سمیه و خسروی، نیکا. (۱۳۹۸). مطالعه کیفی تربیت جنسی نوجوانان و عوامل زمینه‌ساز آن با تأکید بر روابط میان فردی با والدین مطالعه موردی: دختران و پسران نوجوان دوره متوسطه ساکن

شهر تهران. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۱۲(۴۵)، ۷۷-۱۰۴.

رسول آبادی، مهران. (۱۳۹۴). *بررسی رابطه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان پاوه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، گرایش تکنولوژی آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه.

روح پرور، زهرا، شاه علی، شاداب و جوادنوری، مژگان. (۱۳۹۸). تبیین ادراکات والدین از چالش‌های تربیت جنسی پسران نوجوان؛ یک مطالعه کیفی. *تحقیقات کیفی در علوم سلامت*، ۸(۳)، ۲۷۰-۲۶۰.

صادق مقدم، لیلا، عسکری، فریبا، اکبری، علی، مظلوم، سیدبهنام و کرامتی، اصغر. (۱۳۸۴). مقایسه رفتارهای طبیعی جنسی در کودکان دختر و پسر ۲-۷ سال شهر گناباد و نحوه برخورد مادران از این رفتارها. *افتق دانش*، ۱۱(۴)، ۴۸-۵۳.

صادقی، محمدجواد. (۱۳۹۸). نقش خانواده در تربیت جنسی کودکان. *پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری*، ۴(۳۰)، ۷۰-۴۵.

طاوسی، سمیرا، شفیع آبادی، عبدالله و سلیمی بجستانی، حسین. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش مؤلفه‌های تربیت جنسی به مادران بر اضطراب دختران پایه پنجم و ششم شهرستان قدس. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۱(۴۱)، ۱۱۷-۱۳۸.

طهماسبی پور، نجف. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی (واتس آپ، تانگو) بر رشد اجتماعی دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه نظری منطقه ۳ آموزش و پرورش شهر تهران در سال تحصیلی ۹۴-۹۳. اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و علوم اجتماعی، امارات.

عالیپور بیرگانی، سیروس، مکتبی، غلامحسین، شهنی ییلاق، منیجه و مفرد نژاد، ناهید. (۱۳۹۰). رابطه ویژگی‌های شخصیتی با خودناتوان‌سازی تحصیلی و مقایسه شیوه‌های فرزندپروری از لحاظ متغیر اخیر در دانش‌آموزان سال سوم دبیرستانی. *دست‌آوردهای شناختی*، ۱۸(۲)، ۱۵۴-۱۳۵.

عبادت پور، بهناز، نوایی نژاد، شکوه، شفیع آبادی، عبدالله و فلسفی نژاد، محمدرضا. (۱۳۹۲). نقش واسطه‌ای کارکردهای خانواده برای تاب‌آوری فردی و باورهای معنوی و دلزذگی زناشویی. *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۴(۱۳)، ۲۹-۴۵.

عبداله زاده، حسن و کیخسروی، ساناز. (۱۳۹۸). ساخت و ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه سبک‌های تربیت جنسی والدین. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۷(۴)، ۵۸۰-۵۹۳.

علوی، سعید. (۱۳۹۹). رابطه بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با ترس از تصویر بدنی و حمایت اجتماعی ادراک‌شده. *رویش روانشناسی*، ۹(۵)، ۷۰-۶۳.

گلی، فاطمه و محمدی احمدآبادی، ناصر. (۱۳۹۸). تأثیر آموزش تربیت جنسی بر آگاهی، نگرش، و عملکرد مادران در پاسخ به سؤالات دختران. *سلامت روان کودک (روان کودک)*، ۶(۲)، ۸۱-۹۲.

لیپمن، متیو. (۱۳۹۸). فلسفه به مدرسه می‌رود. ترجمه مادینا فرهودی‌زاده و فرزانه شهرتاش. تهران: انتشارات شهرتاش. لیپمن، متیو، آن مارگارت شارپ، و فردریک اسکانیان. (۱۳۹۵). *کودکان و مهارت‌های تفکر*. ترجمه عبدالمهدی معرف‌زاده و سید منصور مرعشی و علی شریفی. تهران: انتشارات پارسیک.

معصومی، معصومه. (۱۳۹۱). بررسی نقش طرح‌واره‌های مادران در تربیت جنسی دختران نوجوانشان. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهرا*.

میریان، سمیه و کشتی آرا، نرگس. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین تربیت جنسی ادراک‌شده و چگونگی استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی تلفن همراه در دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر خمینی‌شهر. *اولین کنفرانس فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی*، کرمانشاه.

هومن، حیدرعلی. (۱۳۹۵). کتاب مدل‌یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار لیزرل. تهران: انتشارات سمت.

Ahmed, A. (2011). Social networking sites and its popularity. *International Journal of Research and Reviews in Computer Science*, 2(2), 522-526.

Allen, B., Timmer, S.G., & Urquiza, A. j. (2016). Parent-Child Interaction Therapy for sexual concerns of maltreated children: A preliminary investigation. *Child Abuse & Neglect*, 56, 80-88.

Awaru, A. O. T. (2020). The Social Construction of Parents' Sexual Education in Bugis-Makassar Families. *Society*, 8(1), 175-190.

- Bearman, P. S., & Brückner, H. (2001). Promising the Future: Virginity Pledges and First Intercourse. *Am J Sociol*, 106(4), 859-912.
- Boyd, D. (2017). Social network sites: Definition, History and Scholarship. *Journal of Computer-Mediated Communication*, 13(1), 210-230.
- Crcler, G. (2000). *Introduction to sexual education*. New York: W. H.
- Fisher, T. D., Davis, C. M., Yarber, W. L., & Davis, S. L. (2010). *Handbook of Sexuality - Related Measures*. New York: Routledge.
- Gold, M. A., Shetel, A. V., Chiappetta, L., Young, A. J., Zuckoff, A., Diclemente, C. C., et al. (2010). Associations between Religiosity and Sexual and Contraceptive Behaviors. *J Pediatr Adolesc Gynecol*, 23(5), 290-297.
- Jessor R.(2012). Risk behavior in adolescence: A psycho social frame work for understanding & action. *Dev Rev*, 12(4), 374-390.
- Koenig, H. G. (20154). Religion, spirituality, and health: a review and update. *Adv Mind Body Med*, 29(3), 19-26.
- Lipman, M. (1988). *Philosophy Goes to School*. Philadelphia, PA: Temple University Press.
- Mazreh, A. (2016). The significance of life and the effective factors in prevention of crimes. *Int J Hum Cult Stud (IJHCS)*, 1(1), 248-253.
- Vanderberg RH, Farkas AH, Miller E, Sucato GS, Akers AY, Borrero SB. (2016). Racial and/or ethnic differences in formal sex education and sex education by parents among young women in the United States, *J Pediatr Adol Gynec*. 29(1), 69-73.
- Vandermassen, G. (2004) . sexual selection: A tale of male bias and feminist denial. *Euopen Journal of womens studies*, 11(1), 2-26.
- Vieira, I., Fernandes, O., & Vieira, R. X. (2008). Evaluation of Parents as Partners in Sex Education. *Journal of Sexologies*, 17 (1), 154-168.